

روش تفسیری مصطفی مسلم در سوره بقره با تأکید بر نظریه وحدت موضوعی*

حسنیه شیخ حمزه^۱
عباس اسماعیلی زاده^۲
علی اسدی اصل^۳

چکیده:

در سال‌های اخیر نگرش موضوعی به تفسیر قرآن سرعت بیشتری پیدا کرده و مفسران با هدف دستیابی به معارف نوین، رویکرد کل‌نگری به قرآن و سوره‌ها را اتخاذ کرده‌اند. نظریه وحدت موضوعی نیز با پیش‌فرض موضوع واحد برای هر سوره، به دنبال ارائه تفسیری جامع از آیات قرآن است. در این میان، مصطفی مسلم با نگارش «التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم»، اولین تفسیر کامل سوره‌های قرآن بر پایه وحدت موضوعی را ارائه داد. میزان موفقیت یا عدم موفقیت وی در عملی ساختن این شیوه تفسیری و ارزیابی کارآمدی نظریه وی، منوط به مطالعه و بررسی اثر تفسیری ایشان خواهد بود. از این‌رو ایده اصلی نوشتار حاضر، نقد و بررسی روش تفسیری مصطفی مسلم در سوره بقره با تأکید بر نظریه وحدت موضوعی است؛ چه آنکه رهگیری و اثبات وحدت موضوعی در طولانی‌ترین سوره قرآن می‌تواند مؤیدی بر نظریه مذکور باشد و از حجم مخالفت‌ها با آن بکاهد؛ هرچند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفسیر موضوعی مصطفی مسلم از کاستی‌هایی مانند تکلف در تعیین محور و مقاطع سوره، عدم حضور نظریه وحدت موضوعی در فرایند تفسیر، ابهام و اضطراب در روش و ... رنج می‌برد و در مجموع، وی نتوانسته نظریه وحدت موضوعی مورد نظر خویش را در تفسیر عملی سازد.

کلیدواژه‌ها:

تفسیر موضوعی / وحدت موضوعی / مصطفی مسلم / سوره بقره / تناسب معنایی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2022.63110.3464

۱- دانشجوی دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد h.shikhhamza613@yahoo.com

۲- دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤول)

esmaelizadeh@um.ac.ir

asadi-a@um.ac.ir

۳- دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

The Interpretation Method of Mustafa Muslim in *Sūrat Al-Baqarah* with Emphasis on the Theory of Thematic Unity

Husniyeh Shaykh Hamza¹

Abbas Isma'ilizadeh²

Ali Asadi Asl³

Abstract

In recent years, the thematic approach to the interpretation of the Qur'an has gained more speed, and interpreters have adopted a holistic approach to the Qur'an and its *sūras* with the aim of acquiring new knowledge. The theory of thematic unity also seeks to provide a comprehensive interpretation of the verses of the Qur'an with the premise of a single topic for each *sūra*. In the meantime, Mustafa Muslim, by writing "*Al-Tafsīr Al-Mawḍū'ī li Suwar Al-Qur'an Al-Karīm*", presented the first complete interpretation of the *sūras* of the Qur'an based on thematic unity. The extent of his success or failure in implementing this interpretation method and evaluating the efficiency of his theory depends on the study and examination of his interpretation work. Therefore, the main idea of this article is to review the interpretation method of Mustafa Muslim in *Sūrat Al-Baqarah* with emphasis on the theory of thematic unity; whereas tracing and proving the thematic unity in the longest *sūra* of the Qur'an can be a confirmation of the mentioned theory and may reduce the amount of opposition to it; however, the findings of the research show that the thematic interpretation of Mustafa Muslim suffers from shortcomings such as affectation in determining the pivots and divisions of the *sūras*, the absence of the theory of thematic unity in the process of interpretation, ambiguity and distress in the method, etc. All in all, he has not been able to implement his theory of thematic unity in his interpretation.

Keywords: thematic interpretation, thematic unity, Mustafa Muslim, *Sūrat Al-Baqarah*, semantic proportionality.

1. Ph.D. Student, Ferdowsi University of Mashhad.

2. Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad.

3. Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad.



طرح مسأله

یکی از مفسرانی که نگاه ویژه به تناسب درون‌سوره‌ای داشته، مصطفی مسلم، قرآن‌پژوه سوری‌الاصل، و مؤلف مجموعه «التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم» است. او در این اثر سعی در پیاده‌سازی گونه‌ای خاص از تفسیر موضوعی داشته که آن را در کتاب دیگرش، «مباحث فی التفسیر الموضوعی» تشریح نموده است. مصطفی مسلم برای نخستین‌بار تفسیر کاملی از قرآن بر اساس نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها عرضه نمود و قرائت نوینی از این نظریه ارائه کرد. او قائل به وجود وحدت و نظم طولی در دو سطح میان سوره‌ای و بیناسوره‌ای است؛ به این معنا که از طرفی آیات یک سوره از تناسب و هماهنگی معنایی برخوردار هستند و از سوی دیگر، سوره‌های هم‌جوار همانند زنجیر با یکدیگر پیوند معنایی دارند که در نهایت به وحدت موضوعی کل قرآن می‌انجامد.

نوشتار حاضر در صدد راستی‌آزمایی خوانش متفاوت مصطفی مسلم از نظریه وحدت موضوعی در طولانی‌ترین سوره قرآن است. وجه انتخاب سوره بقره از آن‌رو است که اثبات نظریه وحدت موضوعی در این سوره به میزان دشوار بودنش، راهگشا نیز خواهد بود؛ زیرا اولاً با شناسایی محور موضوعی سوره بقره، اثبات نظریه وحدت موضوعی در سایر سوره‌ها تسهیل خواهد شد؛ چه آنکه وحدت موضوعی در طولانی‌ترین سوره قرآن نشان می‌دهد با وجود تنوع موضوعی آن، تمامی ۲۸۶ آیه سوره بقره حول یک محور موضوعی و در قالب یک سوره تنظیم شده‌اند. در این صورت، وجود وحدت موضوعی در سایر سوره‌ها به طریق اولی ثابت خواهد شد.

ثانیاً با اثبات وحدت موضوعی سوره بقره، بخش عمده شبهات مستشرقان در خصوص تناسب و انسجام معنایی قرآن پاسخ داده خواهد شد؛ زیرا شبهه پراکندگی معنایی آنان غالباً ناظر به سوره‌های بلند قرآن و عدم تناسب معنایی آن است (دایرة المعارف بریتانیکا، مدخل قرآن)؛ هرچند مفسرانی همانند شاطبی این شبهات را به‌طور نظری پاسخ داده‌اند (شاطبی، ۱۴۲۱: ۲۴۹/۳)، اما مصطفی مسلم با نگارش مجموعه تفسیری، در صدد پاسخگویی عملی به شبهه فوق برآمده است.



۱. نظریه وحدت موضوعی

قرآن پژوهان متأخر معتقدند هر سوره دارای جامعیت واحدی است که نقش مهمی در پیوستگی و انسجام آیات آن سوره بر عهده دارد. از این حد جامع با عنوان «وحدت موضوعی» یاد می‌شود. (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۹) این نظریه چنان‌که از عنوانش پیداست، از یک یا چند محور موضوعی در هر سوره سخن می‌گوید که تمام آیات سوره به‌گونه‌ای منشوروار در جهت آن موضوع یا موضوعات در حرکت‌اند. (سیاوشی، ۱۳۸۹: ۱۱۷) از این رو می‌بایست موضوع سوره به‌عنوان محور و مدار فهم آن دسته از آیات قرار گیرد که حول همان موضوع نازل شده‌اند. (شحاته، ۱۳۶۹: ۲۷)

به گفته قرآن پژوهان، وحدت موضوعی میان چهار دسته آیات قابلیت تحقق دارد: میان آیات دارای وحدت صدور (بهشتی، بی‌تا: ۱۲-۱۵)، میان آیات هم‌محتوا و هم‌موضوع (سبحانی، ۱۳۶۰: ۱۸)، میان آیات هم‌جوار در یک سوره (سیوطی، ۱۴۱۶: ۳۴۲/۲)، میان همه آیات یک سوره. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۸/۱) وحدت موضوعی مورد قبول مصطفی مسلم گونه آخر، یعنی وحدت موضوعی میان همه آیات یک سوره است. علاوه بر آنکه میان سوره‌های هم‌جوار نیز نوعی وحدت محتوایی برقرار است. او هدف از طرح نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها را بررسی آیات یک سوره و به‌دست آوردن موضوع و غرض واحد آن می‌داند. (مسلم، ۱۴۱۰: ۲۹)

مانند مصطفی مسلم، مفسران دیگری نیز به مسأله وحدت موضوعی توجه ویژه نموده‌اند، اما هر کدام خوانش متفاوتی از این نظریه ارائه داده‌اند. به‌طور نمونه، سعید حوی همچون مسلم، معتقد به ارتباط و اتصال اجزا و تقسیمات یک سوره با یکدیگر است؛ با این تفاوت که وی تمام سوره‌های قرآن را با سوره بقره مرتبط دانسته و همه سوره‌های قرآن را شارح و مفسر سوره بقره معرفی می‌کند. (رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۷۷) مسلم و حوی هر دو قائل به وجود وحدت در دو سطح درون‌سوره‌ای و بینا‌سوره‌ای هستند، اما هر یک معیار و تعریف متفاوتی از سطوح وحدت دارند. مسلم وحدت درون‌سوره‌ای را شامل پیوند معنایی میان مقاطع آیات، و ارتباط میان ابتدا و انتهای سوره می‌داند (مسلم، ۱۴۳۱: ۱/مقدمه)، اما حوی تنها به وحدت موضوعی میان مقاطع و فقرات آیات یک سوره توجه دارد. (حوی، ۱۴۱۲: ۳۰/۱) در مورد وحدت بینا‌سوره‌ای نیز مسلم این وحدت را میان سوره‌های هم‌جوار می‌داند (مسلم، ۱۴۳۱: ۱/مقدمه)، ولی حوی برای نشان دادن وحدت موضوعی در سطح سوره‌ها، با تکیه بر روایات، قرآن را به چهار بخش

(طوال، مبین، مثنی و مفصل) تقسیم نموده و قائل به وحدت مضمونی سوره‌های هر یک از این بخش‌هاست. (حوی، ۱۴۱۲: ۶۸۵/۲)

۲. روش تفسیری مصطفی مسلم در «التفسیر الموضوعی لسور القرآن»

مصطفی مسلم سعی داشته در خلال تفسیر آیات، به صورت روشمند و علمی، به اثبات نظریه وحدت موضوعی بپردازد و وحدت موضوعی هر سوره را برجسته نماید. به همین خاطر، وی شیوه‌ای خاص برای پژوهش در تفسیر موضوعی یک سوره را پیشنهاد داده (مسلم، ۱۴۱۰: ۴۰) و خود بر اساس آن عمل کرده است. او در این روش، ابزارها و عناصر مختلفی را به کار گرفته تا به وحدت موضوعی مورد نظر خویش نزدیک گردد که در ادامه، آنها را ضمن تطبیق بر سوره بقره، بیان خواهیم کرد.

۱-۲. ارائه مقدمه و پیش‌گفتار درباره سوره

به باور مصطفی مسلم، پیش از آغاز تفسیر یک سوره، بایسته است این مباحث مقدماتی مطرح گردد: الف) مکان، زمان و سبب نزول، ب) تعداد آیات سوره، ج) احادیث صحیح بیانگر اسامی [توقیفی] سوره و فضایل آن. (همان، ۴۱) این مراحل در فرایند تفسیر سوره بقره به صورت زیر آمده است:

الف) به اتفاق تمام مفسران، سوره بقره جزء اولین سوره‌هایی است که در مدینه نازل گردید؛ هرچند تکمیل آن چند سال به طول انجامیده است. (همو، ۱۴۳۱: ۲۴/۱) مصطفی مسلم با اشراف بر اهمیت مکان و زمان نزول، پس از بیان محور سوره بقره (مسأله خلافت انسان بر زمین)، رابطه میان این محور و مکان نزول سوره را تبیین نموده است. به گفته او، نزول سوره بقره در روزهای ابتدایی هجرت و هم‌زمان با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه اتفاق افتاده، از این رو بیان مسأله استخلاف انسان‌ها و لزوم تحقق خلافت الهی در زمین، از راه تشکیل حکومت اسلامی در سوره بقره ضروری بوده است (همان، ۲۸)

ب) مُسلم تعداد آیات سوره بقره را طبق اختلاف نظر قاریان، میان ۲۸۵، ۲۸۶ و ۲۸۷ متغیر می‌داند (همان، ۲۵)، ولی خود، تعداد ۲۸۶ آیه را برای سوره بقره پذیرفته و بر اساس این عدد، به تفسیر و تقطیع آیات این سوره اقدام نموده است.

ج) مصطفی مسلم روایاتی نقل کرده که نشان می‌دهد این سوره با نام بقره در زمان پیامبر ﷺ شناخته می‌شده است. (همان، ۱۹) هرچند او اظهار نظر یا تحلیلی در



خصوص روایات فوق ندارد، اما به نظر می‌رسد هدف وی، بیان دو احتمال است که منتج به توقیفی بودن نام سوره می‌شود: یک؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این نام را برای سوره انتخاب نموده. دو؛ صحابه سوره را بدین نام خوانده‌اند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنها را از این کار منع نکرده است.

همچنین او روایاتی نقل کرده که بیانگر آثار و فضایل تلاوت سوره بقره هستند. (همان، ۲۰) وی اشاره‌ای به وجه ارتباط فضایل سوره بقره و نظریه وحدت موضوعی نکرده، اما گویا روایات فوق را دال بر آن می‌داند که سوره بقره به‌عنوان یک مجموعه هماهنگ و مرتبط، دارای آثار و خواص فوق خواهد بود.

۲-۲. شناسایی و تعیین هدف اساسی و محور موضوعی سوره

یکی از اقدامات مصطفی مسلم جهت رسیدن به وحدت موضوعی سوره‌ها، تعیین محور اصلی برای هر سوره است. از نظر وی، محور هر سوره، امر جامعی است که سبب قرار گرفتن موضوعات مختلف یک سوره در سیاق واحد شده؛ به‌گونه‌ای که تمام یا بیشتر گزاره‌های معنایی بر مدار آن قرار می‌گیرد. (مسلم، ۱۴۳۱: ۱/مقدمه، ص «ب»)

در مورد سوره بقره، قرآن‌پژوهان محورهای موضوعی مختلف و متنوعی ذکر کرده‌اند (بقاعی، ۱۴۱۳: ۱/۶۰۵؛ رشید رضا، ۱۴۲۰: ۵/۱)، اما مصطفی مسلم تلاش کرده یک محور اصلی برای سوره بقره مشخص کرده و جهت‌گیری‌های کلی سوره را بیان نماید. وی این محور را «روش خلافت خداوند در روی زمین میان کسانی که آن را تباه کردند و کسانی که آن را محقق ساختند» معرفی کرده است. (همان، ۲۸) به اعتقاد وی جمهور معاصران، محور سوره بقره را حول موضوع «خلافت انسان در زمین» می‌دانند و این محور کاملاً با مضمون سوره هماهنگ و موافق است. (همان) مسلم محور نامبرده را هماهنگ‌کننده محورهای فرعی سوره نیز می‌داند. وی دو محور فرعی برای سوره بقره ذکر کرده که بر مدار محور اصلی می‌چرخد: «بنی اسرائیل و دلایل برکناری آنها از خلافت» و «عناصر اساسی استحقاق امت اسلام برای خلافت». (همان، ۳۰-۳۱)

۲-۳. دسته‌بندی آیات و تفسیر اجمالی

گام بعدی مصطفی مسلم، تقطیع آیات به‌خصوص در سوره‌های طولانی است. او یک سوره را به قطعات و واحدهای گوناگون موضوعی طبقه‌بندی می‌کند. به گفته مُسَلِم، دسته‌بندی سوره‌ها به بخش‌هایی که آیات درباره زمینه‌ای از زمینه‌های محور

سوره گفت‌وگو می‌کنند، صورت می‌پذیرد. (مسلم، ۱۴۱۰: ۴۰) گویا معیار وی در تقطیع آیات، قرار داشتن در سیاق واحدی است که بر اساس محور سوره شکل می‌گیرد. در ادامه، مُسلم به تفسیر آیات هر مقطع با استفاده از روش‌های تفسیری مختلف، مانند روش قرآن به قرآن و تفسیر روایی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های مفسران متقدم، مانند تفسیر طبری، ابن‌کثیر، بزرگان مذاهب چهارگانه و ابن‌تیمیه می‌پردازد. (همو، ۱۴۳۱: ۱/مقدمه، ص «ج»)

او آموزه‌ها و نکات تفسیری استخراج‌شده از هر مقطع را تحت عنوان «الهدایات المستنبطة من المقطع» مطرح می‌کند. این بخش با چهار سنجه «القضايا العقیدة»، «الاحکام الشرعیة»، «الاخلاق الاسلامیة و الآداب الشرعیة» و «الجوانب التربویة» بیان شده است. گویا هدف وی از کشف و طرح نکات مستخرج از هر مقطع، رسیدن به موضوع واحد در هر سوره است. مُسلم پس از بیان نکات استخراجی هر مقطع، به تجمیع و ادغام این نکات می‌پردازد.

در مورد مجموعه ۲۸۶ آیه‌ای سوره بقره نیز این تقطیع صورت گرفته و در ابتدا، طبق دو محور فرعی، سوره به دو بخش کلان و یک خاتمه تقسیم شده، سپس هر بخش در مقاطع کوچک‌تری دسته‌بندی شده‌اند. محور اول شامل یک مقدمه و چهار مقطع، و محور دوم دربردارنده یک مقدمه و شش مقطع است که هر مقطع مجموعه‌ای از آیات را دربر دارد. وی برای هر محور و مقطع عنوانی را برگزیده، سپس تمام آیات مربوط به آن بخش را نقل کرده و به تفسیر آنها می‌پردازد.

۲-۴. ارتباط‌دهی مقاطع آیات و آموزه‌های آن با محور سوره

مصطفی مسلم با هدف تبیین و تشخیص موضوع و محور اصلی سوره، به ایجاد ارتباط میان بخش‌های مختلف یک سوره اقدام نموده است. (مسلم، ۱۴۱۰: ۴۰) وی پس از قطعه‌بندی یک سوره، سعی در کشف مناسبات معنایی میان قطعات همجوار دارد. علاوه بر آن، مُسلم تلاش نموده تا ارتباط میان محور هر سوره با مقاطع را کشف و بیان نماید. وی برای هر یک از آنها، بخش جداگانه‌ای در نظر گرفته است. ارتباط هر مقطع با مقطع سابق را بلافاصله پس از نقل آیات هر بخش مطرح می‌کند و ارتباط دوم (رابطه مقطع و محور) در انتهای مباحث هر مقطع و پس از تفسیر اجمالی آیات قرار دارد.



مصطفی مسلم مرحله حاضر را تقریباً در همه مقاطع سوره بقره انجام داده است؛ هرچند در برخی موارد نتوانسته به روشنی ارتباطات فوق را نشان دهد، اما در هر مقطع، محلی را برای بیان این ارتباطات در نظر گرفته است.

۲-۵. بیان وجوه تناسب سوره

از دیگر مراحل محلی که در فرایند تفسیر مصطفی مسلم حضور برجسته دارد، بیان وجوه تناسب هر سوره است. از نظر مُسلم، علاوه بر دو ارتباطی که در بالا ذکر شد (رابطه مقاطع همجوار و رابطه مقطع و محور)، پنج وجه تناسب دیگر نیز در هر سوره وجود دارد که به شکل گیری وحدت موضوعی در آن کمک می‌کند. مصطفی مسلم پیش از ورود به تفسیر هر سوره، این تناسبات پنج‌گانه را بیان می‌کند. در ادامه تناسبات مذکور با تطبیق بر سوره بقره خواهد آمد.

۲-۵-۱. ارتباط میان نام سوره و محور آن

از نظر مصطفی مسلم، سوره بقره مشتمل بر مطالب مهمی همانند التزام بر پاک نگه داشتن عقیده، عدم تقدیس معبودی جز الله و ... است که ارتباط محکمی با محور اصلی سوره، یعنی خلافت انسان دارد. او همچنین تناسب میان نام سوره و محور آن را در مشابهت محتوای کلی سوره بقره (خلافت انسان) با داستان گاو بنی اسرائیل می‌داند؛ چراکه در این داستان، خصوصیات اخلاقی بنی اسرائیل همانند تمایل آنها به قتل آمده و در داستان گاو (بقره)، مسأله کشته شدن یک فرد مطرح است. طبیعتاً قتل نفس با خلافت انسان بر روی زمین همخوانی و سازگاری ندارد؛ همان گونه که فرشتگان وجود خلیفه‌ای خونریز و فاسد در زمین را بر نتابیدند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره: ۳۰). (مسلم، ۱۴۳۱: ۳۲/۱)

۲-۵-۲. مناسبت میان آغاز و فرجام سوره

به نظر مصطفی مسلم، براعت استهلال یکی از امتیازهای ادبی سوره‌های قرآن است؛ امتیازی که سبب کشف و بیان تناسب میان آغاز و فرجام سوره بقره شده است. (همان، ۳۴-۳۶) در مورد سوره بقره به چند طریق این مناسبت اثبات می‌شود:

۱- سوره بقره با مدح متقین و ذکر اوصاف آنها آغاز شده و با تطبیق این اوصاف بر امت اسلام و معرفی مسلمانان به عنوان مصداق متقین، به پایان رسیده و مراد و مصداق هر یک از این فرازهای آغازین در انتهای سوره وجود دارد. (همان، ۳۴)

۲- در ابتدای سوره، «ایمان به غیب» و «ایمان به همه آنچه که بر پیامبران نازل شده»، جزء صفات متقین برشمرده شده است. در انتهای سوره، متعلقات ایمان ذکر شده: «كُلُّ آمَنٍ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵)، و در میانه سوره، توصیه به اظهار ایمان و اقرار به مسلمان بودن شده است: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا ... وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۶). گویا آغاز، میانه و پایان سوره بقره در پی تبیین «ایمان جامع» بوده است. (همان، ۳۶)

۳- ابتدای سوره مؤمنان را با اوصاف ایمان به غیب، اقامه نماز و انفاق ستوده؛ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۲)، و پایان سوره خبر از حسن عاقبت این مؤمنان دارد؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷). (همان، ۳۵)

۴- در آغاز سوره، خداوند مثل کافران و منافقان را بیان کرده: «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِينَ اسْتَوْفَدُوا نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ» (بقره: ۱۷)، و در پایان سوره، دعایی از زبان مؤمنان بیان شده که مشتمل بر پیروزی آنها بر کافران است: «أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۸۶). (همان)

۲-۵-۳. مناسبت میان ابتدای سوره و پایان سوره قبل

رابطه میان ابتدای سوره بقره و انتهای سوره پیش از آن (فاتحه) کاملاً آشکار است (همان، ۳۷)؛ زیرا دعای پایانی سوره فاتحه مبنی بر هدایت خواستن از خداوند (إهدنا)، در ابتدای سوره بقره با نزول قرآن (کتاب هدایتگر) به اجابت رسیده است. (همان) همچنین سه طایفه‌ای که در سوره فاتحه از آنها نام برده شده، در سوره بقره به شکل دیگری آمده است؛ کسانی که بر طریق هدایت خداوندند «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ» (بقره: ۵)، به ایشان نعمت داده شده (أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ)؛ آنهایی که ضلالت را به جای هدایت خریدند «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى» (بقره: ۱۶)، گمراهان اند (الضَّالِّينَ)؛ و کسانی که خدا بر آنها غضب کرده «وَبَاؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» (بقره: ۶۱)، مورد خشم خدا قرار گرفته‌اند (الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ). (همان)

۲-۵-۴. مناسبت محتوای کلی سوره با سوره قبل

مُسلم برای اثبات ارتباط محتوایی کلی این سوره با سوره قبل، شواهدی بیان می‌کند:



۱- روایتی از پیامبر ﷺ، توجه و اهتمام ایشان را به شأن و جایگاه ویژه سوره فاتحه و آیات پایانی سوره بقره نشان می‌دهد. (نیشابوری، بی تا: ح ۸۰۶) در سوره فاتحه و آیات پایانی سوره بقره، خداوند مورد حمد و ستایش قرار گرفته، و از خدا درخواست هدایت و مغفرت شده است، از این رو سوره فاتحه با تبری جستن مؤمنان از مغضوبان و گمراهان پایان یافته و از این مؤمنان در انتهای سوره بقره چنین یاد شده: «لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵). (مسلم، ۱۴۳۱: ۳۸/۱)

۲- در سوره فاتحه، مؤمنان از خداوند می‌خواهند آنها را در راه کسانی که نعمت داده، قرار دهد؛ «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (حمد: ۶-۷)، و خداوند به دعاهاى آنان در سوره بقره پاسخ داده و فضل خود را به آنها عطا و نعمت را بر آنان کامل کرده است؛ «وَلَا تُيَمِّمُ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ» (بقره: ۱۵۰). (همان)

۳- سوره فاتحه متضمن اقرار به ربوبیت و توسل به آن در دین اسلام و دوری از راه اهل کتاب است، و سوره بقره مشتمل بر اصول و قواعد دین اسلام است. (همان)

۲-۵-۵. مناسبت محتوایی هر سوره با سوره بعد

از آنجا که دو سوره بقره و آل عمران در ذکر بنیان‌های اساسی دین همچون توحید، نبوت و مانند آن در یک راستا قرار دارند، میانشان تناسب و پیوند محتوایی وجود دارد. (مسلم، ۱۴۳۱: ۴۲۱/۱) این تناسب هم میان انتهای سوره بقره و آغاز سوره آل عمران برقرار است؛ زیرا در پایان سوره بقره، از ایمان پیامبر ﷺ و مؤمنان سخن به میان آمده، و سوره آل عمران نیز با پرداختن به مسأله ایمان به خداوند و کتاب‌های آسمانی آغاز شده است. (همان، ۳۲) همچنین میان محتوای کلی دو سوره نیز تناسب و هماهنگی در دو وجه زیر برقرار است:

۱- آموزه‌هایی در سوره بقره به صورت مجمل بیان شده که تفصیل آنها در سوره آل- عمران آمده است. (همان، ۴۲۲) مثلاً در سوره بقره، مسأله «إِيتَاءِ مُلْكٍ» به شکل ایجاز طرح شده؛ «وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ» (بقره: ۲۴۷)، ولی در سوره آل عمران، از آن به صورت تفصیلی سخن به میان آمده؛ «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْءِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶).

۲- برخی آموزه‌های سوره آل عمران نقش تکمیل‌کننده معارف سوره بقره را بر عهده دارند. به طور مثال، خداوند در سوره بقره تنها از «آتش مهیاشده برای کفار» یاد می‌کند:

«فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۴). اما در سوره آل عمران، علاوه بر آتش مهیاشده برای کافران؛ «وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۳۱)، از بهشت متقین نیز یاد شده است: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۳۳). از این رو محتوای سوره آل عمران مکمل و متمم آموزه‌های سوره بقره است. (همان، ۴۲۴)

۳. نقد روش مصطفی مسلم در تفسیر سوره بقره

در این بخش عملکرد مصطفی مسلم در تفسیر سوره بقره مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد تا روشن گردد چه میزان در تفسیر موضوعی قرآن و پیاده‌سازی نظریه وحدت موضوعی موفق بوده است. هرچند «نقد» و «انتقاد» تنها به معنای بیان نواقص نبوده، بلکه نوعی ارزیابی است که در کنار ذکر کاستی‌ها، نقاط قوت نیز بیان می‌شود (قراملکی، ۳۱۷/۱۳۸۸؛ مطهری، ۱۳۶۵: ۲۸۵/۱). اما در اینجا به منظور عدم اطاله کلام و با هدف اصلاح و تکمیل روش تفسیری مذکور، تنها به ذکر نقاط ضعف می‌پردازیم.

۳-۱. ناسازگاری «وحدت موضوعی» و تنوع موضوعات سوره بقره

نزول تدریجی آیات سوره بقره و فاصله زمانی میان نزول آیات آن، یکی از دلایل تنوع و تعدد موضوعات این سوره است، از این رو مفسران، موضوعات و اغراض متفاوتی برای این سوره بیان کرده‌اند؛ شناخت قوم یهود و تبیین نحوه تعامل با ایشان (شرف‌الدین، ۱۴۱۲: ۷۴-۸۷)؛ اقامه دلیل بر هدایتگر بودن قرآن به سوی ایمان به غیب (بقاعی، ۱۴۱۳: ۱۸/۱)؛ بیان صراط مستقیم در تمسک و ترک آن (غرناطی، ۱۴۱۰: ۸۸)؛ دعوت مردم به اسلام و دعوت اهل کتاب به ترک باطل (دراز، ۱۳۹۰: ۲۰/۱)؛ تفصیل سوره فاتحه و توضیح مفاهیم هدایت، ضلالت و تقوا (حوی، ۱۴۱۲: ۶۱/۱)، پاره‌ای از اظهارات مفسران در خصوص هدف یا موضوعات اساسی سوره بقره است.

مصطفی مسلم با وجود پذیرش تنوع موضوعی سوره بقره، بر این باور است که می‌توان نظریه وحدت موضوعی را در چنین سوره‌هایی پیاده ساخت. اما با تنوع موضوعاتی که در کلام مفسران در خصوص سوره بقره نقل شد، پذیرش این سخن وی دشوار و حتی ناممکن است؛ هرچند مسلم با وجود اذعان و اطلاع از اختلاف مفسران



در بیان موضوع اصلی سوره بقره، بر وضوح وحدت موضوعی این سوره اصرار می‌ورزد. (مسلم، ۱۴۳۱: ۲۶/۱)

نارسایی‌هایی که در کشف و بیان تناسب میان محورهای موضوعی و آیات سوره بقره در تفسیر مُسلم وجود دارد، نشان می‌دهد دست پیدا کردن به وحدت موضوعی در سوره‌ها، به‌ویژه سوره‌های طولانی، امری دشوار و گاه ناممکن خواهد بود؛ چه آنکه مفسران دیگر با اذعان به تعدد موضوعات در سوره‌های بلند، قائل به وجود چندین محور برای سوره بقره شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳/۱؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ۲۷/۱)؛ به‌طوری که معتقدند موضوع بیشتر آیات سوره بقره، بیان لوازم بندگی خداوند بوده و پایان سوره به بیان بخشی از احکام شرعی اختصاص دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱ و ۴۳)

بر این اساس شاید نتوان وجود وحدت موضوعی در همه سوره‌های قرآن را انکار نمود، اما می‌توان گفت وحدت موضوعی در بسیاری از سوره‌ها امری بدیهی و روشن است، ولی تعمیم دادن این نظریه به تمام سوره‌های قرآن -آن گونه که مصطفی مسلم ادعا می‌کند- محل تردید است. بنابراین باید پذیرفت که «وحدت موضوعی» با تنوع موضوعی موجود در سوره‌های طولانی همانند سوره بقره، همخوانی و سازگاری ندارد.

۲-۳. عدم ضابطه‌مندی جهت تعیین محور موضوعی سوره

یکی از اشکالاتی که به نظریه وحدت موضوعی وارد است، عدم ارائه معیاری مشخص و مستدل از سوی طرفداران این نظریه جهت شناسایی محور موضوعی هر سوره است. این اشکال متوجه نظریه مصطفی مسلم و عملکرد وی در تفسیر سوره بقره نیز می‌باشد؛ چه آنکه با اندکی تأمل در تألیفات وی، می‌توان دریافت او ضابطه معین و مستندی ارائه نداده تا بر طبق آن، ارتباطات بیناسوره‌ای و میان‌سوره‌ای کشف گردد. به‌طور نمونه می‌توان به عدم توانایی مُسلم در معرفی معیار مستدل و منطقی جهت تشخیص محور سوره بقره اشاره کرد. آنچه در ادامه آمده، نشان می‌دهد مُسلم برای تعیین محور سوره بقره، مسیر مشخصی را نپیموده و معیار صحیحی نداشته است، از این رو ادعای اختصاصی بودن محور هر سوره نقض شده است.

اگر هر سوره را واحدی مستقل بپنداریم و در صدد تأیید نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها باشیم، لازم است برای هر سوره، محوری خاص و مستقل از محور سوره‌های دیگر در نظر بگیریم؛ زیرا اگر بنا بر تشابه محور دو یا چند سوره با هم باشد، لزومی بر

نزول دو سوره مختلف با یک هدف و محور واحد از سوی خداوند حکیم نیست. گویا مُسَلِم در تفسیر سوره بقره به این نکته توجه نداشته و محوری برای این سوره معرفی کرده که بر سوره‌های دیگر نیز قابل تطبیق است. وی محور سوره بقره را به جهت مطرح شدن بحث خلافت انسان در آن، «روش خلافت خداوند در روی زمین» ذکر کرده است. این در حالی است که در سوره‌های دیگر، مانند سوره «ص» نیز بحث از خلافت انسان آمده است. اگر در سوره بقره مسأله خلافت انسان نوعی به میان آمده، در سوره «ص»، نمونه عینی و مصداق عملی خلیفه الهی معرفی شده است: «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶). در این آیه مسأله خلیفه الهی بودن حضرت داوود علیه السلام در روی زمین مطرح شده که به گفته علامه طباطبایی، با آیه ۳۰ سوره بقره منطبق است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۴/۱) همچنین در آیه ۷۳ سوره ص، داستان خلقت حضرت آدم علیه السلام و دستور خداوند مبنی بر سجده به فرشتگان در مقابل انسان آمده: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛ دستوری که به علت مقام خلیفه الهی بودن انسان صادر شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۷/۱۹) در ادامه بحث خلافت حضرت داوود در سوره ص، دسته‌بندی انسان‌ها مشابه آنچه که در سوره بقره انجام شده، در این سوره نیز صورت گرفته است: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۸).

۳-۳. عدم حضور نظریه وحدت موضوعی در خلال مباحث تفسیری

اساس کار مصطفی مسلم بر آن است که تفسیری بر پایه نظریه وحدت موضوعی مورد نظر خویش ارائه دهد، اما مطالعه موردی سوره بقره نشان از عدم موفقیت وی در این عرصه دارد. هرچند مُسَلِم در پایان هر مقطع، بخشی را با عنوان «المناسبة بين المقطع و محور السورة» تعبیه نموده تا ضمن بیان وجوه ارتباط مقاطع با محور، به وحدت موضوعی سوره نزدیک گردد، اما متأسفانه در بسیاری از موارد نتوانسته از عهده این کار برآید. به‌طور نمونه، در مقطع دوم از محور دوم، مصطفی مسلم چند صفحه را به بخش المناسبة بين المقطع و محور السورة اختصاص داده، اما هیچ اشاره مشخصی به رابطه آیات آن مقطع و محور سوره نداشته است. (مسلم، ۱۴۳۱: ۲۷۸/۱-۲۸۰)

به‌طور کلی اگر قسمت‌های مربوط به بیان تناسب مقاطع با محور سوره و رابطه مقاطع هم‌جوار را از تفسیر مصطفی مسلم حذف نماییم، حضور نظریه وحدت



موضوعی در این تفسیر را نخواهیم دید. همچنین اگر تعیین محور موضوعی سوره و تقسیم آموزه‌های مقاطع در موضوعات چهارگانه اعتقادی، تربیتی، اخلاقی و احکام شرعی را نادیده بگیریم، سنخیتی میان تفسیر مصطفی مسلم با تفاسیر موضوعی وجود نخواهد داشت. وی مانند تفاسیر ترتیبی، تفسیر هر سوره را بر اساس ترتیب آیات مصحف - و نه بر اساس موضوعات درون سوره‌ای - آغاز کرده و همانند سایر مفسران، نکات تفسیری را آیه به آیه بیان نموده است.

۳-۴. ضعف در کاربرست مراحل شکل‌گیری وحدت موضوعی

مصطفی مسلم متأثر از بقاعی و به تبعیت از او، بیان نام سوره، فضایل سوره و ... را به‌عنوان یکی از مراحل روش تفسیری خود انتخاب کرده است (همان، مقدمه، ص «ب»)، ولی از این نکته غفلت کرده که ارتباط معنایی میان نام و محور سوره در صورتی می‌تواند به وحدت موضوعی منجر شود که نام سوره، توقیفی باشد. ولی چنانچه علت نامگذاری سوره اجتهاد صحابه باشد، دیگر وجهی برای کشف رابطه نام سوره و محور آن و در نتیجه، اثبات وحدت موضوعی سوره‌ها باقی نمی‌ماند. آنچه از نظر مصطفی مسلم توقیفی دانسته شده، ترتیب آیات یک سوره است (همو، ۱۴۱۰: ۶۸)، اما او درباره توقیفی بودن نامگذاری سوره‌ها اظهار نظر مشخصی نکرده و موضع خود را نسبت به دیدگاه‌های موجود درباره نحوه نامگذاری سوره‌های قرآن روشن ننموده است.

در مورد سوره بقره، تنها مطلبی که از روایات موجود در بخش «اسم السوره» به دست می‌آید، اشتها این سوره به نام بقره در زمان پیامبر ﷺ و استفاده حضرت از این نام برای اشاره به آن است. اما چگونگی شهرت یافتن این نام مشخص نیست؛ به‌ویژه اینکه احتمال داده می‌شود مسلمانان عصر نزول به دلیل وجود داستان گاو بنی‌اسرائیل در این سوره، آن را «بقره» خطاب کرده باشند. این احتمال می‌تواند فرضیه توقیفی بودن نامگذاری این سوره را ضعیف نماید؛ زیرا «اذا جاء الاحتمال بطل استدلال». در تأیید این ادعا می‌توان به نظر مفسرانی اشاره کرد که معتقدند بسیاری از اسامی سوره‌ها در اثر کثرت استعمال تعیین پیدا کرده و جنبه توقیف شرعی ندارند. آنها برای تأیید نظرشان، عباراتی نظیر «سورة يذكر فيها البقره»، «سورة يذكر فيها آل عمران» را که در برخی مصاحف قدیم برای اشاره به سوره‌ها آمده، بیان می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۱۹) برخی علاوه بر

اعتقاد به اجتهادی بودن اسامی سوره‌ها، نامگذاری سوره‌ای با عظمت به نام یک حیوان از سوی خداوند را بعید دانسته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۱/۱)

همچنین در بخش «اسم السوره»، مُسلم روایتی را می‌آورد که در آن، پیامبر ﷺ مردم را از نامیدن سوره‌ها به اسامی همانند بقره، آل عمران و ... نهی کرده و به آنها توصیه نموده که این گونه از سوره‌ها یاد کنند: «سوره‌ای که در آن داستان بقره آمده». (مسلم، ۱۴۳۱: ۲۰/۱) هرچند مصطفی مسلم این روایت را «منکر» خوانده و آن را قابل احتجاج نمی‌داند، اما وجود چنین روایاتی، سبب تزلزل فرضیه توقیفی بودن اسامی سوره‌ها و ناکارآمدی آن در تثبیت نظریه وحدت موضوعی خواهد شد. بنابراین تا زمانی که توقیفی بودن نام یک سوره به اثبات نرسیده، نمی‌توان از راه ایجاد ارتباط میان نام و محور موضوعی سوره، نظریه وحدت موضوعی را ثابت کرد.

عملکرد دیگر مُسلم در بخش مقدماتی تفسیر سوره بقره، بیان فضایل سوره است. او در بخش «فضایل السوره»، هیچ اشاره‌ای به چگونگی استفاده از این بخش در تکوین وحدت موضوعی نمی‌کند. او حتی رابطه میان فضیلت سوره با موضوع و محور سوره را بیان نکرده و عملاً استفاده‌ای از دو دسته روایات فضایل سوره بقره در راستای کشف وحدت موضوعی این سوره نکرده است. (همان) این انتقاد به مباحث مقدماتی دیگر، همچون بیان تعداد آیات سوره و مکان نزول نیز وارد است. این مباحث نیز در فرایند تفسیر سوره بقره، بدون هیچ گونه ارتباطی با مسأله وحدت موضوعی بیان شده است.

۳-۵. تکلف زاید در تعیین محور، مقاطع و ارتباط میان آنها

مصطفی مسلم برای اثبات نظریه وحدت موضوعی خویش در یک سوره طولانی مانند بقره، تکلف زیادی متحمل شده است. وی مانند بسیاری از مفسران و البته با هدف دستیابی به وحدت موضوعی، اقدام به مقطع‌بندی سوره ۲۸۶ آیه‌ای بقره کرده است. این تقطیع شامل یک محور اصلی، دو مقصد، یک مقدمه، دو محور فرعی، یک خاتمه، و برای هر یک از محورها یک مقدمه و چندین مقطع است؛ تکلفی محسوس برای تجمیع موضوعات متنوع سوره بقره و اثبات نظریه وحدت موضوعی که تفسیر وی را با ابهاماتی روبه‌رو ساخته است. به‌طور مثال، ذیل بخش مقدمه پس از تفسیر آیات آن، دو مقصد برای بخش مقدمه ذکر کرده و به‌طور مفصل، هر مقصد را شرح داده است. تعیین این دو مقصد در خلال بخش تفسیر اجمالی و بدون تفکیک از بخش



تفسیر صورت گرفته است؛ به علاوه آنکه وی روشن ننموده مراد از مقصد چه بوده و نسبت آن با محور و موضوع سوره چیست. (همان، ۵۱)

به نظر می‌رسد تکلف در تعیین مقاطع و ارتباطدهی میان آنها، به دو علت در تفسیر مُسلم به چشم می‌خورد: اولاً اصرار و پافشاری وی بر وحدت موضوعی و تک‌محوری بودن سوره سبب شده تا وی با پذیرفتن تکلف و تحمیل برخی ارتباطات، سعی در اثبات ادعای خود نماید. این درحالی است که مفسرانی مانند علامه طباطبایی، به دلیل نزول تدریجی سوره بقره، غرض واحد را در مورد این سوره رد کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳/۱) وقتی نتوان غرض واحد برای سوره بقره متصور شد، به طریق اولی نمی‌توان موضوع و محور واحدی را برای این سوره در نظر گرفت.^۱

ثانیاً عدم ضابطه‌مندی در تقطیع آیات، وی را در ارتباطدهی میان مقاطع با مشکل مواجه ساخته؛ تا آنجا که او برای برقراری ارتباط میان مقاطعی که تعیین نموده، دچار زحمت و تکلف‌گویی شده و گاه از بیان ارتباط آنها چشم‌پوشی نموده است. تفاوت دسته‌بندی آیات سوره بقره با سایر تفاسیر می‌تواند شاهد ادعای ما باشد. به‌طور مثال، مصطفی مسلم آیات ۱ تا ۳۹ سوره بقره را تحت عنوان «مقدمه» جای داده است، اما علامه طباطبایی بر اساس سیاق آیات، این چهل آیه ابتدایی سوره را به چندین بخش تقسیم نموده است: آیات ۱-۵، ۶-۷، ۸-۲۰، ۲۱-۲۵، ۲۶-۲۷، ۲۸-۲۹، ۳۰-۳۳، ۳۴، ۳۵-۳۹. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳/۱-۱۵۱)

۳-۶. ابهام، اضطراب و خروج از روش

مصطفی مسلم با وجود ادعا و تلاشش، نتوانسته شیوه‌ای مشخص و واحد ارائه، و آن را در تفسیر خود دنبال نماید. او در تفسیر سوره‌های قرآن تلاش کرده روشی را که در مقدمه «التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم» و در کتاب «مباحث فی التفسیر الموضوعی» شرح داده، عملیاتی نماید، اما مواردی در تفسیر سوره بقره نشان می‌دهد وی گاه از روش پیشنهادی خود خارج شده است. به‌عنوان نمونه، در محور دوم بحث مفصلی درباره صوم و حکمت‌های آن دارد (مسلم، ۱۴۱۰: ۲۱۸-۲۳۱)، درحالی که طبق روش ایشان، می‌بایست احکام در بخش «الهدایة المستنبطة» بحث شود. او در بخش احکام شرعی، تنها به بیان یک سطر درباره وجوب روزه اکتفا کرده است. به نظر می‌رسد تفکیک احکام شرعی از مباحث تفسیری در سوره‌ای همانند بقره که حاوی بیشترین

مسائل شرعی بوده، امری دشوار و حتی ناممکن است. از این رو تلاش مُسلم برای اثبات موضوعی بودن تفسیرش با جداسازی مباحث احکام، اعتقادات و ... ناکام مانده و او را گاه به وادی تکرار کشاننده و گاه ناچار به تلخیص تفسیر آیات الاحکام سوره بقره در بخش «الاحکام الشرعیه» شده است.

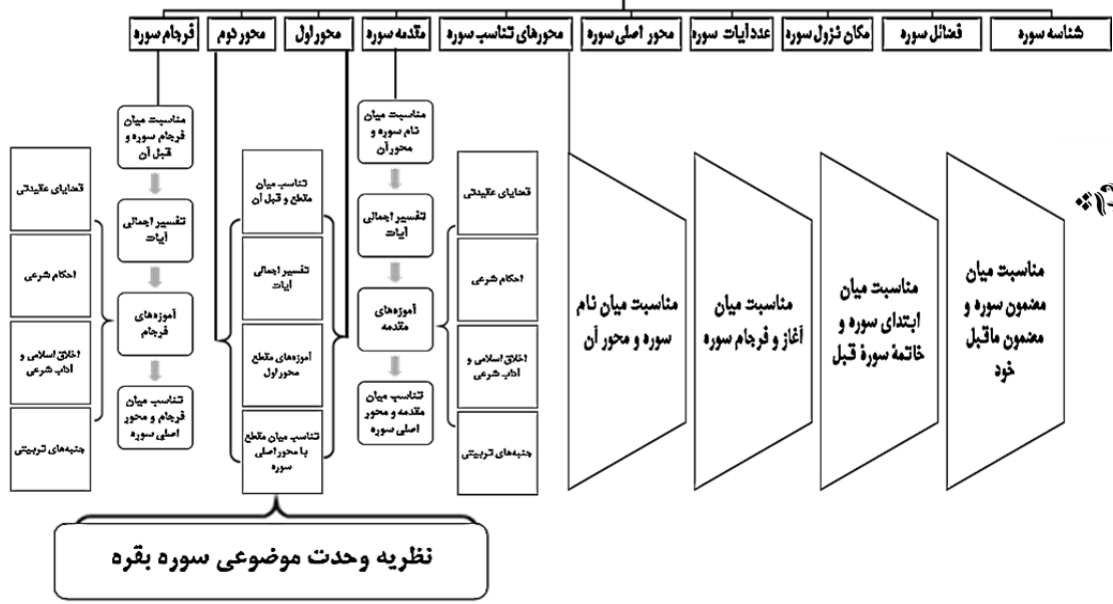
افزون بر آن، هرچند در تفسیر اجمالی به برخی نکاتی که در محورها و تناسب مقاطع آمده، ورود پیدا کرده، ولی در بخش آموزه‌های تفسیری که با چهار رویکرد اعتقادی، اخلاقی، احکام و تربیتی بحث کرده و حجم وسیعی از تفسیر ایشان را دربر گرفته، به محور اصلی سوره یا محورهای مقاطع نپرداخته است.

همچنین طبق روش پیشنهادی وی، می‌بایست در بخش «المناسبة بین المحور و المقطع»، رابطه هر مقطع با محور سوره بیان شود، اما گاه این اتفاق نیفتاده است. به‌طور مثال، در مقطع دوم از محور دوم سوره بقره، توضیح مفصلی درباره مقطع حاضر ارائه شده، اما ارتباط مقطع با محور به‌طور دقیق و واضح روشن نشده است؛ به‌طوری که اگر عنوان این بخش را نادیده بگیریم، چنین به‌نظر می‌رسد که مفسر در حال شرح و تفسیر آیات آن مقطع است. (همو، ۱۴۳۱: ۲۷۸/۱-۲۸۰)

علاوه بر آن، با توجه به آنکه مُسلم یک محور اصلی و دو محور فرعی برای سوره بقره تعیین نموده، در بسیاری از موارد روشن نیست مرادش از محور، کدام محور است. او تنها با ذکر کلمه «محور»، مباحث را مطرح کرده و تفکیکی میان محورها صورت نگرفته است.

از دیگر ابهامات روش مصطفی مسلم این است که در بسیاری از موارد، آیه یا آیات مورد استناد خود را ذکر نکرده و مشخص ننموده مطالب ناظر به کدام آیه از مقطع است. این امر سبب سردرگمی خواننده و انقطاع رشته مطالب گردیده است. به‌طور نمونه، در قسمت «مسائل عقیدتی» که از آیات ۱-۳۹ سوره بقره استخراج گردیده، او مسأله «طبع قلوب» را مطرح کرده، اما روشن نیست این مطالب به کدام آیه از این مقطع ارتباط دارد. مُسلم بدون آنکه آیه‌ای از سوره بقره را ذکر کند، به دو آیه از سوره یونس استناد کرده است. (همان، ۶۷)

روش‌شناسی سوره بقره از منظر مصطفی‌مسلم با تأکید بر نظریه وحدت موضوعی



نتیجه‌گیری

می‌توان گفت نکته کانونی مصطفی‌مسلم برای رسیدن به وحدت موضوعی در سوره بقره، دسته‌بندی آیات به مقاطع مختلف، بیان تناسب میان آیات مقاطع، و نیز ارتباط آیات مقاطع با محور اصلی سوره است. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچند به‌طور کلی مصطفی‌مسلم برای ارائه وحدت موضوعی سوره بقره عملکرد مثبتی داشته و ایده‌های بدیعی ارائه نموده است، اما به دلیل عدم توانایی در تعیین جایگاه نام، فضایل سوره، مکان، عدد آیات و ... در نظریه وحدت موضوعی، به دام تکلف‌های زاید در تعیین محور، مقاطع و ارتباط میان آنها افتاده و تلاش نموده به هر نحوی، محور سوره را با آیات مقاطع مرتبط نماید. از این‌رو در تفسیر سوره بقره شاهد کلی‌گویی و تکلف در تعیین تناسب میان اجزای سوره هستیم. کم‌رنگ بودن نظریه وحدت موضوعی در فرایند تفسیر، خروج از روش، اضطراب، ابهام و در مواردی تناقض‌گویی، از دیگر نقاط چالشی در تفسیر سوره بقره است.

اهمیت مصطفی‌مسلم در باب نظریه وحدت موضوعی در آن است که وی مفسری متأخر در این حوزه محسوب می‌شود که موجب شد باب گفت‌وگوی علمی در این

عرصه مفتوح بماند و چشم‌اندازهای جدیدی از این بحث به‌روی مفسران و محققان گشوده شود. با این وجود، هرچند مسلم خشتی بر دیوار نظریه وحدت موضوعی نهاده و دامنه مباحث را قدری توسعه داده است، اما برخلاف ادعایش، نتوانسته از عهده اثبات و تطبیق نظریه خویش در تفسیر سوره بقره به‌صورت حداکثری برآید. عدم موفقیت کامل مسلم در تحقق این مهم، راه را برای دفاع از نظریه فوق و کاربست آن در دیگر سوره‌های قرآن، با ابهامات و تردیداتی مواجه خواهد کرد. از این‌رو تأیید و تقویت نظریه مذکور نیازمند پاره‌ای اصلاحات و تعدیلات است؛ اصلاحاتی نظیر ارائه معیاری صحیح و مشخص برای تقطیع آیات، منقح ساختن برخی اصطلاحات کلیدی مانند محور، غرض، هدف، مقصد و ...، معرفی ضوابط تعیین محور سوره. همچنین تعدیل در برخی نظرها، همانند عدم پافشاری بر تک‌محوری بودن سوره‌های طولانی، اصرار نوزیدن بر رابطه معنایی میان تمامی سوره‌های هم‌جوار ضروری به‌نظر می‌رسد.

پی‌نوشت

۱- این فرض (قیاس اولویت) در صورتی است که غرض سوره و موضوع سوره را از یکدیگر متفاوت بدانیم. اما اگر هر دو را به یک معنا بدانیم، قطعاً ادعای ما ثابت است.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۱۳ق)، نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور، قاهره: دارالکتاب الاسلامی.
۳. بهشتی، محمد (بی تا)، روش برداشت از قرآن، بی جا: انتشارات سیدجمال.
۴. بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، قرآن ناطق، بی جا: دفتر فرهنگ اسلامی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. حوی، سعید (۱۴۱۲ق)، الأساس فی التفسیر، قاهره: دارالسلام.
۷. خامه گر، محمد (۱۳۸۶)، ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. دراز، محمد عبدالله (۱۳۹۰ق)، النبأ العظیم، کویت: دارالقلم.
۹. رحیمی، معصومه؛ پرچم، اعظم (۱۳۹۳)، «بررسی و نقد نظریه وحدت موضوعی حوی در تفسیر سوره احزاب»، کتاب قیم، شماره ۱۰، ص ۱۷۵-۲۱۰.
۱۰. رشید رضا، محمد (۱۴۲۰ق)، تفسیر المنار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۶۰)، تفسیر صحیح آیات مشکله، قم: نشر خیابان ارم، کتابفروشی عدالت.
۱۲. سیاوشی، کرم (۱۳۸۹)، تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در فی ظلال، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۳. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر (۱۴۱۶ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر.
۱۴. شاذلی، سیدبن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت- قاهره: دارالشروق.
۱۵. شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۲۱ق)، الموافقات فی اصول الشریعة، تحقیق عبدالله دراز، بیروت: دارالمعرفة.
۱۶. شرف الدین، جعفر (۱۴۱۲ق)، «ترابط الآيات و اغراضها فی سورة البقره»، المعارج، شماره ۱۵، ص ۷۴-۸۷.
۱۷. شحاته، عبدالله محمد (۱۳۶۹)، درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره ها، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶)، قرآن در اسلام، به کوشش هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
۲۰. غرناطی، ابوجعفر (۱۴۱۰ق)، البرهان فی تناسب سور القرآن، المغرب: دارالنشر وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية.
۲۱. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸)، «نقد در ترازوی اخلاق»، کتاب ماه دین، شماره ۱۴۱، ص ۳۴-۳۹.
۲۲. مسلم، مصطفی (۱۴۳۱ق)، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، الامارات العربیة: جامعة الشارقة.
۲۳. مسلم، مصطفی (۱۴۱۰ق)، مباحث فی التفسیر الموضوعی، دمشق: دارالقلم.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷)، علوم قرآنی، قم: مؤسسه انتشاراتی التمهید.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، بیروت: دار الفکر.